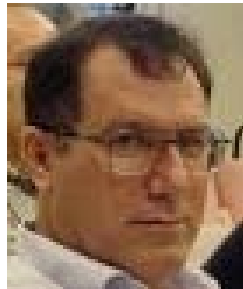


آزادی صحبت نموده و در پاسخ این سؤال همینجا نیز بسهم خود مجدداً نکاتی را یاد آور میشوم به این امید نیاز و درک ضرورت سیاسی - اجتماعی آن هر چه سریع تر در سطح جامعه گسترش یابد و در پرتو آن این نیرو در سراسر ایران همه گیر شود. ببینید، سرنگون کردن رژیم و جایگزین کردن آن با آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی مردم، یکی از خواستههای اصلی و مبرم کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران است که کارنامه و تاریخ روشن خود را دارد و تحقق این نیاز مبرم و حیاتی هم اکنون به یک ضرورت سیاسی - اجتماعی بخش قابل توجهی از کارگران و مردم ایران نیز بدل شده است. همه میدانیم در این دنیای تاریک و لجام گسیخته سرمایه، در کنار این همه استثمار و فقر و فلاکت سرکش و افسار گسیخته،

اکتبر میپرسد:



عبدالله دارابی

طی دو ماه اخیر واحد های گارد آزادی بصورت علنی و مسلح در شهر های کردستان بویژه در هفته گذشته دو شب متوالی در شهر مریوان ابراز وجود کردند. این ابراز وجود مسلح و علنی در ادامه چه سیاستی است و بژتاب عملیتهای اخیر میان مردم را چگونه ارزیابی میکنید؟

عبداله دارابی:

ما بار ها به عناوین مختلف راجع به سیاست تشکیل و سازمان دادن گارد

ابدا کار ساده ای نیست. ابعاد متنوع و پیچیده و حل مشکلات و رفع موانع و گاهاریسک کردن را از فعالین کارگری و چپ و متعهد به کارگران را میطلبد. به همین دلیل است که هر ساله برگزاری اول مه خوب در ایران ، زیبایی ویژه و پیشروی مهمی را برای مبارزه کارگری و حق طلبانه ثبت میکند.

امسال نیز همین مسیر را باید طی کنیم. اما یک مسئله محوری میتواند کار فعالین کارگری و دست اندرکاران ماه مه را آسان کند. آن هم، هماهنگی، همدلی و همگامی نهادها، رهبران و فعالین برگزاری اول مه است. تجربه سالهای گذشته نشان میدهد که متاسفانه ، نا هماهنگی، نداشتن همگامی لازم و اقدامات سکتی چیزی جز تفرقه و به کار نیافتادن کل انرژی مفید برگزاری اول مه بزرگ و وسیع را ببار نیاورده است. اولین مسئله ای که در تدارک ماه مه امسال باید به آن توجه کرد ، فایق آمدن بر این ناهم آهنگیها و ایجاد یک صف وسیع و گسترده برای برگزاری بزرگترین اجتماعات به مناسبت روز کارگر است. این کار شدنی است به شرطی که واقعیات ساده ای را قبول کنیم.

اولاً : اگر در این حقیقت نینفع باشیم که نفس برگزاری پرجمعیت و بزرگ روز کارگر خود یک هدف اساسی است . که مراسمهای روز کارگر باید نمایش قدرت طبقه کارگر و صف آزادیخواهانه و حق طلبانه جامعه علیه ستم و استثمار و تبعیض و حامیان آن باشد. که روز کارگر را به مقطعی از تغییر تناسب قوا به نفع کارگر و انسانیت و آزادیخواهی تبدیل کنیم ، آنوقت اجتماعات هر چه بزرگتر و وسیعتر شاخص اصلی

اول مه 1386 ، شاخص موفقیت اجتماعات بزرگ است



رحمان حسین زاده

به استقبال اول مه روز جهانی کارگرمیرویم.جنب و جوش و تحرک و بحث و همفکری و نقشه ریختن برای برگزاری هر چه بهتر این تنها روز جهانی کارگران در جریان است. علیرغم فشارها و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی و به علاوه فریبکاریها و ترفندهای نهادهای ضد کارگری همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی اول مه هر ساله در ایران عرصه ابراز وجود رادیکال کارگری و حق طلبانه بوده است. امسال نیز از این قاعده مستثنی نیست. از مدتی قبل و هم اکنون جریانات و نهادهای حق طلب کارگری، رهبران و فعالین دلسوز کارگران در فکر سازماندهی اجتماعات بزرگ به مناسبت روز کارگر هستند. در دنیای پیشرفته و متمدن ، آنجا که اندک حقوق کارگران و فعالیت علنی تشکلهای و اتحادیه های کارگری به همت مبارزه خود کارگران به رسمیت شناخته شده است. سازماندهی مراسمهای روز کارگر کار ساده ایست. اما در شرایط امروز ایران و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این اقدام حق طلبانه و ساده و سر راست

ادامه در ص 3

در صفحات دیگر

آغاز بکار برنامه های هر روزه تلوزیون

پرتو ص 2

...

کمک های مالی به کمیته کردستان

ص 2

...

باز هم در باره مجامع عمومی کارگری ص 4

مظفر محمدی

موقیبت روز کارگر در ایران خواهد بود. اجتماعات بزرگ به طور انزکتیو یعنی حضور وسیع جمعیت در مراسم و متینگهای روز کارگر، یعنی پرهیز از مراسمهای پراکنده و کوچک و تلاش برای یکی کردن اقدامات حول متینگ و مراسم بزرگ مرکزی در سطح شهر. اگر اجتماعات بزرگ را شاخص بگیریم، در نتیجه گرایشهای درون جنبش کارگری و نهادها و فعالین دست اندرکار اول مه لازمست دست در دست هم بگذارند و اجتماعات بزرگ را ممکن سازند.

نوما: پایه واقعی همگامی گرایشهای حق طلب درون جنبش کارگری و نهادها و فعالین مختلف برای برگزاری بزرگ اول ماه مه در این حقیقت هم نهفته است که در شرایط مشخص ایران طبقه کارگر و ابتداییترین مطالبات کارگری از جمله داشتن حق تشکل و اعتصاب و اجتماعات و پیکت کارگری و استاندارد قابل قبول جامعه کارگری برای تعیین دستمزد، داشتن بیمه

بیکاری مکفی و برگزاری آزادانه روز کارگر و زیر ضرب جمهوری اسلامی و دم دستگاه سرکوب آن است. هر گرایش حق طلب درون جنبش کارگری صرفنظر از پلتفرم بلند مدت خود برای جنبش کارگری، قاعدتا در تحقق این مطالبات فوری جنبش کارگری سهیم است. پس زدن جمهوری اسلامی بر سر این مطالبات خود گشایش بزرگی را در پیشروی بعدی جنبش کارگری ایفا میکند. روز جهانی کارگر بیش از هر مناسبتی محل ابراز قدرت اجتماعی کارگر برای به کرسی نشاندن این مطالبات و به عقب راندن جمهوری اسلامی است. اگر گرایشهای مختلف درون جنبش کارگری در این واقعیت ذینفع باشیم، آنوقت در این چارچوب باید به دور از تعصبات گرایشی و گروهی و سکتی برای برگزاری بزرگترین اول مه همگام شویم به نظرم کار ساده ایست که حول چند مطالبه فوری اقتصادی و سیاسی گرایشهای و نهادها و فعالین جنبش کارگری ام

از سندیکالیست، سوسیالیست، رفرمیست و کمونیست و چپ و سوسیال دمکرات ... از طیفهای مختلف متحد و سازمانیافته در هر شهر و هماهنگ در همه شهرهای بزرگ ایران اقدامات مشترک را سازمان دهیم. **سوما:** در راستای برگزاری اجتماعات بزرگ روز کارگر باید بیشترین توده مردم را به صف اجتماعات روز کارگر فراخواند. روز کارگر سمبل اعتراض به استعمار و بیحقوقی و ستم و تبعیض، مظهر حق طلبی و آزادیخواهی و برابری طلبی و دفاع از انسانیت و حقوق برابر همه شهروندان جامعه است. این روز به صف وسیع انسانهای جامعه به غیر از مثنی انگل سرمایه دار و حامیان اسلامی و دولتی آن مربوط است. اجتماعات روز کارگر باید محلی باشد که معلم و دانشجو و محصل، کارمند و کسبه و هر بخش محروم و تحت ستم جامعه در آن حضور یابد و این روز را از آن خود بدانند. روز کارگر، روز اجتماع وسیع همه زنان و

مردان یاغی از ستم و تبعیض و نابرابریست. همه را به این روز باید فراخواند.

چهارم: یابمان باشد در اجتماعات بزرگ و وسیع روز کارگر دولتیها، مقامات و عوامل جمهوری اسلامی و حتی نهادهای و سازمانهای به اصطلاح "کارگری" دولت جایی ندارند. خانه کارگر و اداره کار و شوراهای اسلامی و ... بگذار به به نمایشهای خود مشغول شوند. نمایشات آنها محل حضور و تجمع کارگران نیست و نباید باشد. اجتماعات بزرگ کارگران هم محل حضور و ماتور این دشمنان آشکار کارگران نیست.

خلاصه کلام، اجتماعات بزرگ و هر چه پر جمعیت شاخص موفقیت روز کارگر امسال کارگران ایران است. همه جریانها، گرایشها و نهادهای حق طلب و مدافع کارگر را به تلاش و ابتکار و هماهنگی برای سازماندهی اجتماعات بزرگ اول مه باید فرا خواند.

آغاز برنامه هر روزه تلویزیون پرتو

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از روز شنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۶ (۲۱ آوریل ۲۰۰۷) آغاز خواهد شد. این برنامه ها از تلویزیون کاتال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود. کاتال ۶ پروژه مشترک حزب حکمتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 14
Downlink Frequency:

11 470
Downlink Polarity:
Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۳۰:۸ تا ۳۰:۹ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کاتال تکرار خواهد شد. علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۳۰:۷ تا ۳۰:۸ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

از همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.

لیست کمک های مالی به کمیته کردستان و گارد آزادی

آرام از بریتانیا 200 پوند
اک 100 یورو
آزاد از نورژ 400 کرون
جلال محمودزاده 100 یورو
ژوینا خوش پیام 30 دلار
جمع آوری کمک مالی توسط گروه مالی در یوتیوبی 1500 کرون
سردار عبدالله 100 کرون
شاهین فارس بانه 200 کرون
نینا میمبری 1000 کرون
کمک مالی جمع آوری شده توسط عدرا ادمی (آباجی) از رفقا و دوستان زیر بوده است.
محمد راستی 50 کرون
یدی گ 50 کرون
محمودش 20 کرون
منصورع 200 کرون
حبیب م 100 کرون
رحمت ف 40 کرون
جلال م 100 کرون
قدرت پیروزی 500 کرون
اسماعیل و 50 کرون
نسان ن 50 کرون
بهمن ت ونسیرین 100 کرون

رونک ن 100 کرون
فرهاد ر 20 کرون
ابراهیم ب 20 کرون
صلاح ک 100 کرون
سوسن هجرت 100 کرون
فرخنده گ 20 کرون
فرشاد آ 20 کرون
محبوبه آ 20 کرون
آمین احمدی 100 کرون
فریده ک 50 کرون
خاتم م 50 کرون
فرنگیس ا 50 کرون
مینا ک 50 کرون
خاتم سیستانی ک 40 کرون
ملیحه آ 70 کرون
کاوهر روشن 100 کرون
کبرا ف 20 کرون
صغرا آ 20 کرون
هیرو گ 20 کرون
ثریا ن 20 کرون
لیلاق 25 کرون
سارا ز 20 کرون
تهمینه ن 15 کرون
آمین د 20 کرون
دلجان ا 20 کرون
تارا م 20 کرون

ادامه اکتبر می پرسد

تضمین امنیت جامعه بشری نیز در صدر خواسته‌های اولیه، منجمله مردم ایران قرار گرفته است. در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی وقوع فاجعه و نابسامانی سیاسی و اقتصادی و ناامنی در ایران، بمراتب از هر جای دیگر دنیا ملموس تر و عیان تر است در نتیجه همین واقعیت، احزاب و جنبش‌های جدی و دخالتگر در ایران به این امر واقفند که بدون مقابله و تعرض جدی و همه جانبه و سازمانیافته با معماران از هم پاشاندن جامعه و ایجاد سناریوی سیاه کارشان بجایی نخواهد رسید. بنا بر این خارج از نیت و مرام پاک انسانها، تحقق امروز خواست سرنگونی و جایگزینی آن با مناسبات و سیستم آزادیخواهانه و برابری طلبانه، بدون سازماندهی عرصه و نیروی دفاع از خود مردم امکان پذیر نیست. در همین راستا باید روی این نکته مصمم بود که کارگران و مردم ایران نیز مانند کارگران و مردم بغداد و بصره و فلوچه و یوگسلاوی

و رواندا بخاطر فقدان نیروی دفاعی و نظامی خود نه تنها به هیچ خواست و آرزوی انسانی خود دست نخواهند یافت بلکه همچون آنان به قربانیان ردیف اول جنگ طلبان نظم نوینی و قوم پرستان و مذهبیون و گانگسترهای سیاسی تا ندان مسلح تبدیل خواهند شد. با توجه به این همه قربانی و نگون بختی، دیگر جایز نیست سناریو سیاه دیگری در ایران هم تکرار شود. بهمین خاطر، هم سرنگونی جمهوری اسلامی و هم استقرار حکومت سوسیالیستی جایگزین آن، مستلزم نوعی دیگر از سازماندهی و کارکرد عملی و همه جانبه است که بدون آن کار بجایی نمیرسد. از این رو، پشتوانه سیاسی ساختن نیروی گارد آزادی نیز از همچون نیازی نشأت میگیرد که با برقراری امنیت مردم و حراست از بنیادهای مدنی جامعه، روند سرنگونی رژیم و ادامه کاری بعد از سرنگونی آن نیز تضمین میگردند. ابراز وجود مسلح امروز گارد آزادی در شهرهای کردستان نیز خارج از این

قاعده نیست و حرکت و ابراز وجود علنی و مسلح امروز و فردای این نیرو، یک پدیده بهم پیوسته در خدمت یک هدف مشخص و تعریف شده است که در برنامه حزب مفصل به آن پرداخته ایم. در مورد بخش دوم سؤال، همانطور که اشاره شده طی دو ماه اخیر، گارد آزادی در شهرهایی چون مهاباد و سنندج و بویژه در هفته اخیر 2 شب متوالی در شهر مریوان، بصورت مسلحانه ابراز وجود نموده و علنا در تجمعات کوچک و بزرگ مردم این شهرها حضور یافته اند. واحد های گارد آزادی در این عملیاتها، ضمن بحث و گفتگو با مردم، با کمک خود آنان توانسته اند ادبیات حزب را به وفور در سطح این شهرها پخش نمایند. علاوه بر آن، در هفته گذشته 2 واحد "شاهو 25 و واحد 225" گارد آزادی در شهر مریوان، با همکاری بیرغ مردم توانستند در 2 شب متوالی چندین محله شهر را تحت پوشش امنیتی خود قرار دهند و بصورت حضوری در چندین تجمع کوچک و بزرگ مردم شرکت

نمایند. مضافا اینکه، واحد 225 گارد آزادی در دومین شب این عملیاتها، توانستند در محله دارسیران مریوان با تعداد قابل توجهی از مسافرتین نوروزی که بخاطر سپری کردن تعطیلات خود از دیگر نقاط ایران به این شهر آمده بودند دیدار نمایند و طی این دیدار، در مورد حزب حکمتیست و گارد آزادی با آنان صحبت نمایند. بی شک تاثیرات ابراز وجود مسلح و علنی گارد آزادی نه تنها در شهرهای نامبرده بلکه در فضای سیاسی ایران و کردستان تاثیرات قابل توجهی از خود بجایی گذاشتند و مردم آزادیخواه کردستان با افتخار از گارد آزادی بمتابله نیروی امید بخش و واقعی خود یاد میکنند و با تمام توان برای گسترش و انسجام آن تلاش میکنند. تماسهایی که با ما برقرار میشود و تقاضای رو به افزایش سازمان یافتن در واحدهای گارد آزادی همین واقعیت را تاکید میکند.

مجمع عمومی - از ص 4

کارگران توانستند سندیکایشان را بسازند باید از آن استقبال کرد. هر خشتی روی خشت را که به اتحاد و تشکیل کارگری بینجامد باید تقویت و تشویق کرد. برای رفتن سراغ تشکیل مجمع عمومی کارگری و انتخاب نمایندگان کارگری برای پیگیری و اجرای تصمیمات کارگران نباید منتظر آمادگی و توافق همه کارگران شد. کارگر سوسیالیست و محافل رادیکال درون کارگران باید راهی را که به آن معتقدند بروند. باید جنبش مجمع عمومی را صاحب شوند. باید کارگر را به این منشا قدرتشان آگاه کنند، این کار بسیار ساده و عملی را انجام دهند و حتی یک روز هم در تلاش برای این کار دیر نکنند. در عین حال هر جمع فعالین و محافل و گرایشات گوناگون کارگری که به امر تشکیل و اتحاد کارگری نه علی العموم، بلکه در مجمع عمومی و شوراهای سندیکاهایشان کمک کنند، باید دستشان را فشرده اما هیچگونه

اتلاف وقت جایز نیست. سفره خالی کارگر و شکم گرسنه فرزندان کارگران منتظر پروسه طولانی و بعضا دردناک توافق گرایشات گوناگون و بعضا ناهمگون درون کارگران نمیشود. باید تعجیل کرد. و راه سر راست و با کمترین صرف وقت و زمان و کمترین دردسر، برگزاری مجمع عمومی کارگری است. با این کار هم قدرت و ابراز وجود کارگر تامین میشود و هم نماینده و سخنگوی کارگر که از کارخانه بیاید و از مجمع عمومی کارگری در بیاید میتواند خودش را تحمیل کند و کسی نمیتواند بگوید تو از کجا آمدی و چه کسی تو را نماینده کرده است. نمایندگان مجمع عمومی 4 تا کارخانه میتوانند ادعا کنند که نمایندگان طرف حساب کارفرما برای مذاکره بر سر افزایش دستمزدها هستند. کسی نمیتواند بگوید شما از کجا آمدید و مجوزتان کو؟ این راه سریع و سر راست و عملی و ساده و ممکن را برویم به تنگ نظری و محدود نگری طیفی از

مخالفین مجمع عمومی حال به هر دلیل و بهانه و یا بدلیل ناباوریشان، نشان بدهیم که حتی آنها هم از این کار نفع میبرند. اینجا بازنده ای وجود نخواهد داشت. بلکه کارگر به مثابه طبقه کارگر در آن برنده است. بحثهای کشف و پرورد سر و رقابت و مسابقه بر سر ترزاها و نسخه ها و آلترناتیوهای مبهم به هیچ وحدت کارگری نمیانجامد. اما در متن اعتراض و مبارزه و کشاندن پای توده کارگر به میدان ابراز وجود که تنها و فورا و عملا از طریق مجمع عمومی ممکن و مقدور است، سرسخت ترین مخالف شورا و مجمع عمومی کارگری و یا نسخه پیچ های گوناگون را میتوان به صحنه برگرداند. باید کارگران کارخانه را مثلا در یک عصر چهارشنبه و در ساعت کار به مجمع عمومی دعوت کرد و نظرش را برسد و به حسابش آورد و قدرت و اتحادش را در عمل به خودش نشان داد و تامین کرد و خواستههایش را به میدان آورد و نماینده هایش را انتخاب کرد. برای

برگزاری مجمع عمومی، نه منتظر اجازه وزارتخانه ای باشیم و نه منتظر توافق هیچ گرایش ناباور به مجمع عمومی. مجمع عمومی را بچسبیم و با صدای رسا و بلند بگوییم در دیوار کارخانه هارا از "زنده باد مجمع عمومی کارگری" پر کنیم. و عملا و همین امروز مجمع عمومی کارگری را تشکیل بدهیم با این کار آگاهانه و ممکن میتوانیم طبقه کارگر را دارای شکل و منبع قدرت و اتحادشان کنیم. و حضورش را در صحنه نمایندگی برای افزایش دستمزدها و لغو قراردادهای موقت کار، تا دفاع از آزادی شکل و اعتصاب و آزادیهای فردی و اجتماعی کلیه انسانهای جامعه تامین و تضمین کنیم. تلاش برای برگزاری مجمع عمومی کارگری، از شهر به شهر رفتن و طومار جمع کردن مشکلتر نیست. با مجمع عمومی منظم و ادامه کار و پدیدار کارخانه هارا فتح کنیم و در وهله اول طبقه کارگر را از فلاکتی که به او تحمیل شده نجات دهیم.



مظفر محمدی

مجمع عمومی کارگری را تشکیل دهیم

طبقه کارگر سنتا و تاریخا به شکل شورا یا سندیکا متشکل و متحد شده است. تا هم اکنون این سنت به قوت خود باقی و معتبر است. در دهه های اخیر به دلیل تسلط جریانات و احزاب و گرایشات رفرمیستی در جامعه و درون خود طبقه کارگر، سندیکا شکل قابل قبولتر گردیده و شوراهای کارگری به عقب رانده شده اند. گرایش رادیکال و چپ درون کارگران هنوز قادر به ایقا و تجدید حیات جنبش شورایی کارگری نشده اند. با اینوصف این نو راه کماکان جلوی طبقه کارگر قرار دارد و فعالین و سخنگویان خودش را میطلبد و یا بخشا دارد. با وجود اینکه سندیکا های کارگری در ابعاد بین المللی مقبول بخشی از بورژوازی هم هست، اما این نوع تشکل هم هنوز در کشورهای عقبمانده و تحت حاکمیت استبدادی از جمله ایران نتوانسته خود را به بورژوازی و دولتش بقبولاند و تحمیل کند. شوراهای کارگری هم با سرکوب مواجه و شوراهای اسلامی را جایگزین آن کردند.

جدال و مبارزه باید سر جای واقعی خودش برگردد. شورا یا سندیکا یا هر نو؟ این آن سوال کلاسیک و در عین حال روز و واقعی در مقابل طبقه کارگر و فعالین او است. هر انجمن و کمیته و جمع کارگری و یا محافل و فعالین کارگری اگر به هر بهانه ای از جواب به این سوال ظفره برود، از دادن پاسخ به تشکل و اتحاد کارگری عاجز است.

مساله اختناق و استبداد و موانع دولتی و غیره به جای خود که هست و واقعی است. اما وقتی جدال بر سر ایجاد شورا یا سندیکاهای کارگری برود، آنوقت دولت و کارفرما در واقع بر مقابل جنبشی قرار دارد که به آسانی نمیتواند از

عهده اش بر بیاید و فعالینش را از میدان بدر کند. حضور نمایندگان شورا ها و سندیکا های کارگری در عرصه مبارزه و مذاکره با کارفرماها و دولت سر مثلا دستمزد را نمیشود به آسانی کنار زد و رقمی ناچیز را یکجانبه اعلام کرد. فعالین کارگری و محافل و جمعها و کمیته ها یا هر نام دیگری، اگر هدفشان متشکل و متحد شدن کارگران در عمل و همین امروز است، باید یکی از این راهها را انتخاب کنند و با صراحت و صدای رسا اعلام کنند: شورا یا سندیکا یا هر دو

آیا طبقه کارگر صاحب یک جنبش شورایی خواهد شد؟ آیا شورا و سندیکاهای کارگری یکی پس از دیگری از کارخانه های بزرگ و کارگاههای کوچک سر بر خواهند آورد؟ اگر قرار است پروژه ای برای متحد و متشکل کردن کارگر در دستور باشد این است و نه هیچ چیز دیگر. و این تازه شروع کار است. این عبور و پشت سر نهادن نسخه پیچیها و سردرگمی های این نوره و تازه بازگشت به سنت قدیمی تشکل و اتحاد کارگری که در کشور ما پا در هوا مانده و به عقب رانده شده و به جایشان شوراهای اسلامی و خانه کارگر گذاشته شده اند، است.

دامن زدن به یک جنبش شورایی با شعار و فراخوان و اطلاعیه و نصیحت کارگران که تشکل خوب است انجام نمیگیرد. کارگر در جریان اعتراض و مبارزه جاری و روزمره اش متحد میشود. در هر نوره ای نقطه عطفهایی هست که اگر رهبر و فعال کارگری آن را دریابد راه چند ساله را چند روزه طی میکند. مساله اعتراض و مبارزه علیه قراردادهای موقت کار یکی از این نقطه عطف ها است که میتوان اعتراض و مبارزه سراسر کارگری سر آن راه انداخت. میتوان صدها هزار کارگر که امنیت شغلی ندارند را به خیابانها کشاند و در وهله اول در مجمع عمومیشان گرد آورد.

یا در فصل افزایش دستمزدها هم همینطور. این مساله حیاتی کارگر میتواند باعث گردهماییهای بزرگ کارگری در کارخانه های بزرگ گردد و نمایندگیهای محلی و سراسری کارگری از آنها بیرون

بیاید. هنوز دیر نشده است.

کارگر در جریان اعتراض و مبارزه اش متحد و متشکل میشود. این الفبای تشکل و اتحاد کارگری است. در حال حاضر این مبارزه و خواستها و اعتراض و نارضایتی در اوج خود است. تعرض کارفرما و دولت به سطح معیشت کارگر از خط های قرمز و مرزهای فقر گذشته و به گرسنگی کشاندن و مرگ تدریجی رسیده است. ایندوره مثل دوران قحطی عمومی است برای طبقه کارگر و همه مزد و حقوق بگیران جزو ... بدون ارتباط با و خارج از این تعرضها و حملات مداوم و سازمان دادن ضد حمله ها از جانب کارگران و فقط با شعار و فراخوان و یا تقاضای از بالا، کارگر را نمیتوان متشکل و متحد کرد. این کار غیر ممکن است و اتلاف وقت است.

باید به درون کارگران برگشت. باید هر اجتماع و هر گفتگو و بحث بر سر سرنوشت کارگر را به همانجا که خود او هست برد. باید توده کارگران و بخصوص محافل درون کارگران و رهبران و سخنگویان اعتراض و مبارزه اش را به این همفکری و تصمیم گیری کشاند. باید ایده ها و حرفها و پیشنهادات را به مجمع عمومی کارگری برد.

بی توجهی به مجمع عمومی کارگری و روی خوش نشان ندادن بخشی از گرایشات درون و بیرون طبقه کارگر به مجمع عمومی کارگری قبل از اینکه به مخالفتشان با گرایش رادیکال و سوسیالیست درون طبقه کارگر مربوط شود به عدم درکشان از مکانیزم مبارزه و اتحاد کارگر بر میگردد. هر رفرمیست یا سندیکالیست که از مجمع عمومی کارگری روی برگرداند حتی برای مبارزه برای همان تشکل و حداقل رفرمی که به آن معتقد است، جدی نیست

جنبش مجمع عمومی متأسفانه بی صاحب افتاده است. این نه به این دلیل است که فعالین چپ در میان کارگران وجود ندارد. بلکه به دلیل سردرگمی است که به آن دچار شده اند. این دوستان به جای اینکه سر راست بروند سراغ کارگر و آنها را در مجمع عمومیشان جمع کنند و به سخنگو و طراح خواستها و

اعتراض و مبارزه شان تبدیل شوند لقمه را از پشت سر به دهان میبرند. "مجمع عمومی تشکل نیست!"، "کارفرما اجازه تشکیل مجمع عمومی را نمیدهد"، "چطور میشود همه کارگران یک کارخانه را در جایی جمع کرد"، "جا تنگ است، سالن نمیدهند، حراست نمیگذارند..."، اینها و شاید دلایل بیشتری را میشود شنید که بعضی از آنها در جای خود واقعی اند. اما موانع اصلی اینها نیستند. مانع اصلی ناباوری به کارگر و به مجمع عمومیست و به این نقطه قدرتش است. وگرنه همه آن موانع قابل کنار نهادن هستند.

برگزاری یک مجمع عمومی یک ساعته برای تصمیم بر سر اعتراض به چیزی و یا تشکیل مجمع عمومی برای بحث و تصمیم گیری بر سر چگونگی دخالت کارگران در مساله افزایش دستمزدها و یا حمایت و اعلام همبستگی با مبارزات بخشهای دیگر کارگری... را هیچ کارفرمایی نمیتواند مانع شود و یا عهده دار گردد.

مجمع عمومی تشکل است. مادر همه تشکلهای است. محل قدرت نمایی و ابزار وجود کارگر است. به کارگر قدرت و اعتماد بنفس میدهد. امکان دخالت در سرنوشتش را میدهد. کارگر منفرد را از انزوا در میآورد، قوی میکند. مشکل و معضل پراکندگی را حل میکند. صدای کارگر را راستر میکند. از مجمع عمومی کارگر نمایندگیهای مختلف کارگری در میآید. شوراهای کارگری پایدار در می آید. این راه ما است.

در میان بخشهای پراکنده کارگری که جمع کردن و برپای مجمع عمومی ممکن نیست میشود راههای دیگری را انتخاب کرد. میتوان در میان مراکز کوچک و بخشهای پراکنده کارگران به اسم نویسی پرداخت و سندیکای کارگری ان بخش را اعلام کرد.

ما خواهان برگزاری مجمع عمومی منظم و پایدار و ادامه کار هستیم. ما شوراهای کارگری را منشأ قدرت کارگر چه برای رفاهیات امروز و چه تشکیل حکومت کارگری میدانیم. در عین حال هر کجا